

المختصر في صفة العمرة وأحكامها (الجمعية)

مختصری در شیوهی ادای حج

مختصری در شیوهی ادای حج

حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار
جهانیان است و درود و سلام بر پیامبرمان محمد و بر همهی
آل و اصحابشان باد.

اما بعد:

آنچه در پیش رو دارید رساله‌ای مختصر در مورد
چگونگی عمره و احکام و آداب آن است که تلاش کردیم که
بیشترین نکاتی که عمرگزار به آن نیاز دارد را بیان کنیم.

از خداوند می‌خواهیم آن را برای خود خالص گردانده و
عموم مسلمانان را به‌وسیله‌ی آن سودمند سازد.

کمیته علمی انجمن خدمت به محتوای اسلامی به زبان‌های
گونگون

دیباچه

نخست: شرط‌های قبول عبادت

عبادت نزد الله متعال پذیرفته نمی‌شود مگر با دو شرط:
اخلاص، یعنی اینکه هدفش خشنودی الله و آخرت باشد،
خداوند می‌فرماید:

﴿وَمَا أَمْرُو إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ﴾ [1]،

و آنان فرمان نیافتند جز اینکه الله را عبادت کنند در حالی که دین [خود] را برای او خالص گردانند [و از شرک و عبادت معبودان باطل،] به توحید روی آورند؛¹ [البینة: ۵].

و پیامبر صلی الله علیه و سلم می‌فرماید: «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ، وَإِنَّمَا لِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَى» [2]. «همانا اعمال بستگی به نیت آنها دارد، و برای هر فردی آنچه که نیت کرده خواهد بود».²

پیروی از پیامبر در این عمل، از نظر قولی و عملی؛ پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «مَنْ أَحْدَثَ فِي أَمْرِنَا هَذَا مَا لَيْسَ فِيهِ فَهُوَ رَدٌّ» «هرکس در امر (دین) ما چیزی ایجاد کند که در آن نیست، مردود است»³ و در روایتی آمده که رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرمودند: «مَنْ عَمِلَ عَمَلًا لَيْسَ عَلَيْهِ أَمْرُنَا فَهُوَ رَدٌّ» [4]. «هر کس کاری کند که امر ما بر آن نیست، پس آن کار مردود است».⁴

1 یعنی: به سوی او و عبادتش روی آورده و از هرچه غیر اوست روی گردانند. تفسیر السعدی (ص ۵۳۸)

2 امام بخاری به شماره (۱)، و امام مسلم به شماره (۱۹۰۷) روایت کرده اند.

3 امام بخاری به شماره (۲۶۹۷)، و امام مسلم به شماره (۱۷۱۸) روایت کرده اند.

4 [به روایت مسلم، به شماره ۱۷۱۸].

ثانیا: حکم یادگیری چگونگی انجام عمره و احکام آن

برای کسی که می‌خواهد به عبادت الله تعالی بپردازد، لازم است که رهنمود پیامبر صلی الله علیه وسلم را در آن عبادت بیاموزد تا عملش مطابق با سنت باشد. پیامبر صلی الله علیه وسلم مردم را به پیروی و اقتدا به هدایتش ترغیب می‌کرد؛ چنانکه مالک بن حویرث رضی الله عنه روایت می‌کند که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «صَلُّوا كَمَا رَأَيْتُمُونِي أُصَلِّي» [5]. «همانگونه که می‌بینید من نماز می‌گزارم، نماز بگزارید»¹.

از جابر رضی الله عنه روایت است که گفت: «رَأَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَرْمِي عَلَى رَأْسِهِ يَوْمَ النَّحْرِ وَيَقُولُ: لِتَأْخُذُوا مَنَاسِكَكُمْ، فَإِنِّي لَا أَدْرِي لَعَلِّي لَا أَحُجُّ بَعْدَ حَجَّتِي هَذِهِ» [6]. «پیامبر صلی الله علیه وسلم را دیدم که در روز قربان بر مرکب خود رمی می‌کردند و می‌فرمودند: مناسک خود را از من بیاموزید، زیرا نمی‌دانم شاید بعد از این حج، دیگر حج نکنم»².

سوم: فضیلت عمره

عمره دو فضیلت دارد: عام و خاص

1 امام بخاری به شماره (۶۰۰۸) روایت کرده است.

2 امام مسلم به شماره (۱۲۹۷) روایت کرده است.

اما عام:

از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که گفت: رسول الله صلى الله عليه و سلم فرمودند: «الْعُمْرَةُ إِلَى الْعُمْرَةِ كَفَّارَةٌ لِمَا بَيْنَهُمَا، وَالْحَجُّ الْمَبْرُورُ لَيْسَ لَهُ جَزَاءٌ إِلَّا الْجَنَّةُ» [7]. «عمره تا عمره [دیگر] کفاره‌ای است برای آنچه بین آن دو رخ داده، و حج مبرور پاداشی جز بهشت ندارد»¹.

از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت است که گفت: رسول الله صلى الله عليه و سلم فرمود: «تَابِعُوا بَيْنَ الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ، فَإِنَّهُمَا يَنْفِيَانِ الْفَقْرَ وَالذُّنُوبَ كَمَا يَنْفِي الْكَبِيرُ [8] خَبَثَ الْحَدِيدِ وَالذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ، وَلَيْسَ لِلْحَجِّ الْمَبْرُورِ ثَوَابٌ إِلَّا الْجَنَّةُ» [9]. «میان حج و عمره پی‌درپی انجام دهید، زیرا این دو، فقر و گناهان را می‌زدایند همان‌گونه که کوره زنگ آهن و طلا و نقره را می‌زداید، و حج مبرور پاداشی جز بهشت ندارد»³².

و اما خاص در رمضان: از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که پیامبر صلى الله عليه و سلم فرمودند: «عُمْرَةٌ فِي رَمَضَانَ تَقْضِي حَجَّةَ مَعِيَ» [10]. «عمره در رمضان، برابر با حج با من است»⁴.

1 امام بخاری به شماره (۱۷۷۳)، و امام مسلم به شماره (۱۳۴۹) روایت کرده‌اند.

2 به روایت ترمذی، به شماره (۸۱۰)، و نسائی، به شماره (۲۶۳۱).

3 موضع نار الحداد والصائغ. التمهيد لابن عبد البر (۱۵/۱۰۲)

4 امام بخاری به شماره (۱۸۶۳)، و امام مسلم به شماره (۱۲۵۶) روایت کرده‌اند.

چگونگی انجام عمره

اولاً: احکام میقات‌ها

مواقیت: همان مکان‌هایی است که پیامبر صلی الله علیه وسلم تعیین کرده تا کسی که خواهان حج یا عمره است از آنها احرام کند.

پس هرکس از یکی از این مواقیت عبور کند درحالی‌که نیت حج یا عمره دارد، بر او واجب است که از همانجا احرام ببندد و بدون احرام از آنجا عبور نکند.

و کسی که از این میقات‌ها به مکه نزدیکتر باشد، میقاتش همان مکانش است؛ یعنی از همانجا برای حج و عمره احرام ببندد.

اما اهل مکه و کسانی که نیت احرام از آنجا را دارند: برای حج از مکه احرام می‌بندند، و اما برای عمره: به منطقه‌ی حلال (خارج از حرم) مانند تنعیم و نظایر آن می‌روند و از آنجا احرام می‌بندند.

و کسی که در هواپیما باشد، وقتی که هواپیما بر روی میقات قرار گرفت احرام می‌بندد. او باید آماده باشد و لباس احرام را پیش از رسیدن به موازات میقات بپوشد. پس هنگامی که در موازات میقات قرار گرفت فوراً نیت احرام بجا می‌آورد و تأخیر آن تا رسیدن به فرودگاه جایز نیست. او

می‌تواند احتیاط کند و پیش از رسیدن به موازات میقات لبیک بگوید تا مبادا به دلیل سرعت هواپیما مکان لبیک را از دست بدهد.

دوم: روش احرام بستن و احکام آن:

بر کسی که قصد احرام دارد، امور ذیل مشروع است:

۱- غسل، که سنت مؤکده در حق مردان و زنان است حتی برای زنی که در حال حیض یا نفاس است.

۲. استفاده از بهترین عطری که می‌یابد از «روغن عود» یا دیگر عطرها بر سر و ریش خود بزند و اشکالی ندارد که پس از احرام [اثر] آن باقی بماند. اما برای زن جایز نیست که از عطری که بوی آن به مشام مردان بیگانه برسد، استفاده کند.

3. پوشیدن لباس‌های احرام، که ازار و رداء است، و سنت است که سفید و پاک یا نو باشند. و زن در هر لباسی که بخواهد نیت احرام می‌کند، به شرط آن که با زینت خودنمایی نکند، اما از پوشیدن نقاب و دستکش پرهیز می‌کند و صورت و دستان خود را با چیز دیگری می‌پوشاند.

۴- احرام بستن پس از نماز؛ چه فرض باشد چه نفل، سنت است.

می‌گوید: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ عُمْرَةً» و اگر به نیابت از دیگری عمره می‌کند، می‌گوید: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ عُمْرَةً عَنْ فُلَانٍ».

اگر کسی که قصد احرام را دارد ترس این را داشته باشد که چیزی مانع از کامل کردن مناسکش شود، سنت است که هنگام نیت احرام شرط بگذارد و بگوید: (لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ عُمْرَةً، وَإِنْ حَبَسَنِي حَابِسٌ فَمَجِّلِي حَيْثُ حَبَسْتَنِي) پس هرگاه شرط بگذارد و چیزی مانع از کامل کردن مناسکش شود، از احرام خارج می‌شود و چیزی بر او نیست.

سپس بسیار لبیک می‌گوید: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ»، مرد صدایش را بلند می‌کند و همچنین زن، مادامی که در حضور مردان بیگانه نباشد. و شایسته است که مُحَرَّم بسیار لبیک بگوید به ویژه هنگام تغییر حال و تغییر زمان، مانند آنکه به بلندی بالا برود یا به زمین پست پایین بیاید یا هنگام شب شدن یا روز شدن.¹

در هنگام عمره از بستن احرام تا شروع طواف، لبیک گفتن مشروعیت دارد.

1 معنای گفتن انسان: (لبیک) یعنی اجابت تو ای پروردگار، بارها و بارها، و معنای آن: اجابت انسان از پروردگارش و پایبندی او به طاعتش است. «إِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ» حمد: توصیف ستوده به کمال همراه با محبت و تعظیم است، و اگر تکرار شود، ثنا می‌گردد. و نعمت: آن چیزی است که خداوند به بندگانش از دستیابی به مطلوب و دفع مکروه تفضل می‌کند، و قول او: (الملك) یعنی و ملک از آن توست، پس خداوند تبارک و تعالی تنها مالک است، و قول او: (لا شريك لك) یعنی هیچ‌کس در آنچه که مختص به خداوند عز و جل است از صفات کامل، از جمله انحصار در ملک و خلق و تدبیر و الوهیت، با تو شریک نیست. مجموع فتاوی و رسائل العثیمین (۲۲/۹۶) ملخصاً.

بر مُحرم واجب است که از وقوع در چیزی از محظورات احرام پرهیز کند تا هنگامی که از احرام خارج شود.

۳ - روش طواف

هرگاه مُحرم وارد مسجدالحرام شد، مستحب است که با پای راست وارد شود و دعای ورود به مسجد را بگوید، و از صحیح‌ترین احادیثی که در این باره وارد شده این است که بگوید: «اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ» (پروردگارا درهای رحمت خود را بر من بگشای)، و این دعا را هنگام ورود به هر مسجدی می‌گوید و مختص به مسجد الحرام نیست.

پس چون بخواهد طواف را آغاز کند، تلبیه را قطع می‌کند و اضطباع می‌نماید. اضطباع یعنی وسط ردای خود را زیر بغل راست خود قرار داده و هر دو طرف آن را روی دوش چپش قرار می‌دهد. پس چون از طوافش فراغت یافت، ردایش را به حالت پیش از طواف برمی‌گرداند؛ زیرا محل اضطباع فقط طواف است.

سپس به سمت حجر الأسود می‌رود و با دست راستش حجر را لمس می‌کند و می‌بوسد، و اگر امکان بوسیدن نبود، آن را با دست لمس کرده و دست خود را می‌بوسد، و اگر استلام با دست ممکن نبود، با چیزی مانند عصا آن را لمس کرده و آن را می‌بوسد، و اگر این هم ممکن نبود، رو به حجر کرده و به دستش به آن اشاره می‌کند و دستش را نمی‌بوسد، و بهتر است که برای این کار مزاحمتی ایجاد نکند و به مردم آسیب نرساند و از آن‌ها آسیب نبیند.

و هنگام استلام (لمس) یا اشاره به حجر الاسود می‌گوید:
«الله اکبر».

سپس به سمت راستش حرکت می‌کند و کعبه را در سمت چپ خود قرار می‌دهد و چون به رکن یمانی رسید بدون بوسیدن آن را لمس می‌کند و اگر [به سبب ازدحام] امکانش نبود برای این کار عرصه را بر دیگران تنگ نمی‌کند و به سمت آن اشاره نمی‌کند.

و بین رکن یمانی و حجر الاسود می‌گوید: (رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ).

هرگاه از حجر الاسود بگذرد با دست به سوی آن اشاره نموده و می‌گوید: «الله اکبر».

و در بقیه‌ی طوافش هر ذکر و دعایی که دوست دارد می‌گوید و هر چه از قرآن که دوست دارد قرائت می‌کند.

و سنت این است که فقط در سه دور اول رمل کند، و رمل: راه رفتن سریع همراه با نزدیک بودن گام‌ها است. اما در چهار دور باقی‌مانده رمل نیست بلکه طبق همان عادت خودش راه می‌رود.

پس چون طوافش را کامل کرد به سوی مقام ابراهیم می‌رود و این آیه را می‌خواند:

﴿...وَاتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَٰهٖمَ مُصَلًّی...﴾

...و [مقرر کردیم که] مقام ابراهیم را نمازگاهی برای خویش انتخاب کنید... [البقرة: ۱۲۵] سپس در صورت امکان دو رکعت در پشت مقام ابراهیم می‌خواند، و اگر امکان نداشت در هر جای مسجد آن را می‌خواند. در رکعت اول پس از سوره‌ی فاتحه:

﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾

[ای پیامبر،] بگو: «ای کافران، [الکافرون: ۱] و در رکعت دوم پس از فاتحه، سوره‌ی:

﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾.

[ای پیامبر] بگو: «او الله یکتا و یگانه است». [الإخلاص: ۱]

چهارم: روش سعی

چون طواف و دو رکعت آن را به پایان رساند، به سوی مَسْعَى (محل انجام سعی) می‌رود و چون به صفا نزدیک شد این آیه را می‌خواند:

﴿إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ...﴾

«صفا» و «مروه» از نشانه‌های [ظاهری شریعت] الله است... [بقره: ۱۵۸]. سپس می‌گوید: «أَبْدَأُ بِمَا بَدَأَ اللَّهُ بِهِ» [12]. «آغاز می‌کنم به آنچه الله با آن آغاز کرده است».¹

سپس بر روی صفا می‌رود تا آنکه کعبه یا جهت آن را ببیند، آنگاه رو به قبله کرده و توحید الله را گفته و تکبیر می‌گوید و می‌فرماید: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ، أَنْجَزَ وَعْدَهُ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ، وَهَرَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ»، ثُمَّ دَعَا بَيْنَ ذَلِكَ. قَالَ مِثْلَ هَذَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ [13]. «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ، أَنْجَزَ وَعْدَهُ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ، وَهَرَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ»، سپس در میان آن دعا کرد. این را سه مرتبه گفت.

سپس پیاده از صفا پایین آمده به سوی مروه می‌رود و چون به نشانه سبز رسید سریع می‌دود، و چون به نشانه سبز دوم رسید به مانند راه رفتن عادی‌اش راه می‌رود، و برای زنان دویدن سریع مشروع نیست.

و هنگامی که به مروه رسید، برای او مشروعیت دارد که همان کاری را که بر روی صفا انجام داده بود، انجام دهد (بند شماره ۲).

¹ امام مسلم به شماره (۱۲۱۸) روایت کرده است.

سپس از مروه پایین آمده به سوی صفا می‌رود و چون به نشانهٔ سبز رسید سریع می‌دود و چون به نشانهٔ سبز دوم رسید به مانند راه رفتن عادی‌اش راه می‌رود.

و به همین ترتیب تا هفت دور کامل شود، هر بار رفتن از صفا به مروه یک دور است و بازگشت از مروه به صفا نیز یک دور دیگر حساب می‌شود.

و در هنگام سعی هر ذکر و دعایی که دوست دارد می‌گوید و هر چه از قرآن که دوست دارد تلاوت می‌کند.

پنجم: روش حلق و تقصیر:

و چون معتمر طواف و سعی خود را به پایان رساند، بر او واجب است که اگر مرد است موهای سرش را بتراشد یا کوتاه کند، و سنت آن است که تراشیدن یا کوتاه کردن شامل همه‌ی اطراف سر باشد.

و تراشیدن بهتر از کوتاه کردن است، مگر آنکه وقت حج نزدیک باشد و زمان برای روییدن موی سر نباشد که در این صورت کوتاه کردن بهتر است.

و اما زن از اطراف موهایش به اندازه‌ی یک بند انگشت کوتاه می‌کند.

ممنوعات احرام

ممنوعات احرام عبارتند از:

۱. تراشیدن مو یا کوتاه کردن یا کندن آن از هر قسمتی از بدن.

۲- کوتاه کردن همه یا برخی از ناخن‌های انگشتان دست یا پاها.

۳. پوشاندن سر با آنچه مماس بر سر قرار می‌گیرد، مانند: کلاه، غتره، عمامه، و گذاشتن رداء بر سر، یا گذاشتن دستمال، یا پتو، یا کارتن، یا هر چیز دیگری که به قصد پوشاندن باشد. و این حکم خاص مردان است و شامل زنان نمی‌شود.

۴. پوشیدن لباس‌های معمولی که به اندازه بدن دوخته شده‌اند؛ به شکل معمولی خود، مانند: لباس دوخته شده، شلوار، پیراهن، جوراب و دستکش. این حکم خاص مردان است و زنان از این موارد نهی شده‌اند:

الف. پوشیدن نقاب یا برقع یا لثام مشابه نقاب، و واجب است که در حضور مردان نامحرم چهره‌اش را با پوشش معمول صورت بپوشاند؛ حتی اگر پوشش صورتش را لمس کند، و مشروع نیست که برای جلوگیری از تماس پوشش با صورت، عصابه (سربند) یا چیزی شبیه به آن بر سر بگذارد؛ زیرا دلیلی بر مشروعیت آن وجود ندارد.

ب. پوشیدن دستکش در دستانش، و واجب است که دستانش را در برابر مردان بیگانه با قرار دادن آن‌ها در داخل عبایش بپوشاند.

۵. استفاده از عطر بر بدن یا لباس احرام.
۶. کشتن شکار خشکی یا شکار کردن آن حتی اگر آن را نکشد.
- ۷- خواستگاری برای خود یا دیگری.
۸. عقد ازدواج.
- ۹- مباشرت در غیر از فرج؛ مانند بوسیدن و لمس کردن از روی شهوت.
۱۰. جماع، که همان نزدیکی در شرمگاه است.

خلاصه‌ای از اعمال عمره:

- ۱- غسل.
- ۲- خوشبویی و استفاده از عطر.
- ۳- پوشیدن لباس احرام.
- ۴- احرام، و آن نیت ورود به مناسک است.
- ۵- تلبیه (لبیک گفتن).
- ۶- طواف کعبه.
- ۷- دو رکعت نماز پشت مقام ابراهیم.
- ۸- سعی بین صفا و مروه.

۹- تراشیدن یا کوتاه کردن مو. واللّٰه أعلم و صلی اللّٰه وسلم
علی نبینا محمد.

فهرست

2	مختصری در شیوهی ادای حج
2	دیباچه
2	نخست: شرطهای قبول عبادت
4	ثانیا: حکم یادگیری چگونگی انجام عمره و احکام آن
4	سوم: فضیلت عمره
6	چگونگی انجام عمره
6	اولاً: احکام میقاتها
7	دوم: روش احرام بستن و احکام آن
9	روش طواف ۳
11	چهارم: روش سعی
13	پنجم: روش حلق و تقصیر
13	ممنوعات احرام
15	خلاصه‌ای از اعمال عمره